

## تبیین مشبه در آیه «كَزَرَ عِ أَخْرَجَ شَطْأَهُ» در آیه ۲۹ سوره فتح<sup>۱</sup>

رحیم حاصلی ایرانشاهی\* / عبدالکریم بهجت پور\*\* / سید محمد نقیب\*\*\*

### چکیده

خدای متعال در آیه شریفه: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... كَزَرَ عِ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ» همراهان رسول اکرم (ﷺ) را به زراعتی بالنده تشبیه کرده است که مراحل رشد خود را یکی پس از دیگری سپری می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسد که بر ساقه‌های خود استوار می‌ایستد. تتبع در قرائن مختلف، نشان می‌دهد که جامعه ایمانی عصر رسالت، به دلالت مطابقی، مصداق اتم مسلمانان توصیف شده است که چهار مرحله تحولی را از ابتدای شکل‌گیری تا زمان تسلط بر فضای جغرافیایی عصر نزول، طی نموده‌اند. با توجه به گسترده بودن دامنه تمثیل، در این پژوهش مشبه فراز شریفه «کزع اخرج شطأه» تبیین شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این فراز شریفه، ناظر به مرحله آغاز رشد مسلمانان در جامعه شرکت‌زده عصر نزول تا زمان ظهور و بروز اجتماعی آنان است. بر پایه روایات ترتیب نزول سوره‌ها، در این برهه زمانی، تعداد ۵۴ سوره نازل شده است. پژوهش حاضر با تتبع در محتوای این سوره‌ها نسبت به تبیین مدلول‌های تمثیل فراز شریفه کوشیده است. رویکرد پژوهش، قرآن‌محوری است که بر مبنای آن، محک‌های دینی؛ آیات قرآن کریم، روایات متواتر، بدیهیات عقلی، تجربه قطعی و ... بر محور قرآن کریم، داور اندیشه‌ها و عملکردهای دینی است.

### واژگان کلیدی

آیه ۲۹ فتح، تمثیل، زراعت بالنده، هویت اسلامی، رشد مسلمانان.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی دانش‌آموخته محترم از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم است.  
\* دانش‌آموخته دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول).

haseli.rahim@yahoo.com

bp114@yahoo.com

nagheb@Quran.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۹

\*\* دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

\*\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

## طرح مسئله

قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره فتح، همراهان رسول اکرم ﷺ را به زراعتی بالنده همانند دانسته است که مراحل رشد خود را یکی پس از دیگری سپری می‌کند تا به مرحله‌ای می‌رسد که بر ساقه‌های خود استوار می‌ایستد:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... كَزْرَعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْفِهِ.

محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند ... داستان آنان مانند کشته‌ای است که جوانه‌اش را برآورد و آن را نیرومند گرداند و ستر شود و بر ساقه‌هایش راست ایستد.

در خصوص اینکه مشبه این تمثیل چه کسانی است و وجه شباهت آنان با تمثیل صورت گرفته و توصیف حاصل از آن در چیست، مفسران آراء مختلفی را مطرح کرده‌اند:

۱. گروهی، تمثیل صورت گرفته را ناظر به صحابه و همراهان رسول اکرم ﷺ دانسته‌اند؛ زیرا آنان همچون زراعتی که پس از کشت، جوانه‌های خود را - در نخستین مرحله بروز و ظهور بیرونی خود در عرصه طبیعت - خارج می‌سازد، ضعیف و ناتوان بودند اما در نتیجه هدایت‌های رسول اکرم ﷺ و یاری یکدیگر، قدرت یافتند و برکارها مسلط شدند؛ همانگونه که هر زراعتی در ابتدای رشد خود، ضعیف و ناتوان است و سپس قوت یافته و رشد می‌کند. (طوسی، بی‌تا، ج ۹ / ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۳۳۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳ / ۲۷۸؛ طبری ۱۴۱۲: ۲۶ / ۷۱؛ سبزواری، ۱۴۱۹ / ۵۲۰)

۲. برخی دیگر معتقدند مراد آیه شریفه، برکتی است که خدای تعالی در وجود مؤمنان قرار داده است؛ بر این پایه، تمثیل ناظر به بعد ایمانی اجتماع اسلامی است و آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که چون خدای تعالی در وجود مؤمنان برکت قرار داده است، روز به روز بر عده و نیروی آنان اضافه می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۹۹) این تفسیر را می‌توان عبارت اخرای دیدگاه دیگری دانست که معتقدست تمثیل آیه شریفه، ناظر به اجتماع ایمانی مؤمنان است که تکامل و رشد می‌یابد و اجزای آن یکدیگر را تقویت می‌کند تا در تعداد و نیرو به یک قدرت سترگ تبدیل شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۱ / ۱۳۰)

۳. برخی دیگر، این تمثیل و توصیف حاصل از آن را ناظر به حرکت و تلاش مؤمنان پارسا و مجاهد در جنبه‌های مختلف دانسته‌اند که آنی از حرکت باز نمی‌ایستند و همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشر می‌دهند و روز به روز خیل تازه‌ای بر جامعه اسلامی می‌افزایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۱۱۷)

۴. از دیدگاهی دیگر، این آیه مرتبط با حکومت حضرت ولی عصر ﷺ است؛ چرا که توصیف آیه شریفه، مرحله بلوغ و غلبه کامل و جهانی حکومت اسلام را بیان می‌کند و این بلوغ و غلبه، هنوز محقق نشده است و در عصر ظهور محقق خواهد شد. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ / ۵۱۵؛ امین اصفهانی، ۱۳۹۱:

تبیین مشبه در آیه «كَزَّرَعُ أَخْرَجَ شَطْأَهُ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۰۵

مشاهده می‌شود که در تعیین مشبه آیه شریفه و مسلمانانی که آیه شریفه توصیف کننده آنان است و مصادیق این توصیف، یعنی مراحل ذکر شده در خصوص رشد این مسلمانان در آیه شریفه، آراء مختلفی مطرح است. پژوهش حاضر سعی نموده است مسلمانان مصداق آیه شریفه را مشخص نماید و سپس با توجه به گسترده بودن دامنه تمثیل (كَزَّرَعُ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ) در تبیین مشبه فراز نخست آن (كَزَّرَعُ أَخْرَجَ شَطْأَهُ) و حقیقتی که این تمثیل گویای آن است، بکوشد.

### مسلمانان مصداق تمثیل آیه شریفه

تعیین مسلمانان مصداق تمثیل آیه شریفه، نیازمند توجه به زمان نزول سوره فتح است. این سوره پیش از صلح حدیبیه نازل شده است. (بیهقی، ۱۳۶۱: ۴ / ۱۶۹ - ۱۵۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲ / ۸۰) نقل شده است که پیامبر ﷺ در سال ششم هجرت با رؤیای صادقه‌ای که مشاهده فرمود، دستور یافت به قصد عمره، به سمت مکه حرکت کند. در پی این دستور، آن حضرت با تعدادی از اصحاب خود که جمعیت آنان را حدود هزار تا هزار و هشتصد نفر دانسته‌اند، به سمت مکه حرکت کرد. (کلینی، ۱۳۶۲ / ۳۲۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۳۱۰؛ حلبی، ۱۴۰۰: ۲ / ۶۸۹؛ واقدی، ۱۴۰۴: ۲ / ۶۱۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲ / ۹۸ - ۹۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳ / ۷۲؛ ابن هشام، بی‌تا: ۳ / ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۱۰) در مسیر این حرکت، پیامبر ﷺ اعراب و منافقان را به همراهی با خود دعوت می‌فرمود، اما آنان چون امیدی به بازگشت آن حضرت از عداوت اهل مکه نداشتند، از همراهی ایشان پرهیز کردند. (ابن هشام، بی‌تا: ۳ / ۳۲۲؛ واقدی: ۲ / ۵۷۴) در طرف مقابل، قریش نیز با آگاه شدن از حرکت پیامبر ﷺ، تصمیم بر ممانعت از انجام عمره توسط مسلمانان گرفتند و به منظور مقاتله با ایشان، با نیروی نظامی خود از مکه خارج شدند. پیامبر ﷺ با مشاهده جدیت قریش با یاران خود «پیمان پایداری» و مقاومت در برابر مشرکان بست. این پیمان که خداوند از شرکت‌کنندگان آن اعلام رضایت نمود (فتح / ۱۸) به بیعت رضوان مشهور است. نتیجه ممانعت قریش از انجام عمره حج توسط مسلمانان و عزم مسلمانان برای مقامت در برابر آنان، عقد پیمان مشهور به «حدیبیه» میان مسلمانان و مشرکان شد. این پیمان که آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی فراوانی در پیشرفت دعوت اسلام داشت، نقطه عطف دعوت اسلامی به شمار می‌رود. (ر. ک: پیشوایی، ۱۳۸۹ / ۲۶۷ - ۲۶۶)

سوره فتح، با تمامی آیاتش، بعد از این صلح و در مسیر بازگشت مسلمانان به مدینه نازل شد. (طباطبایی،

۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۸۵) و دربردارنده دو نکته مهم در خصوص رسول اکرم ﷺ و همراهان ایشان است:

۱. تمجید و پاداش الهی به رسول اکرم ﷺ و مؤمنان راستینی که در ایمان خود و همراهی با رسول اکرم ﷺ استوار ماندند و با اطاعت از آن حضرت به سمت مکه حرکت کردند و به بیعت رضوان و نزول

سکینت الهی بر قلبشان توفیق یافتند و از جانب پروردگار به فتحی نزدیک و غنیمت‌های بسیار نوید داده شدند.

۲. بیان غلبه و پیروزی نهایی این مسلمانان بر دشمنان و تسلط آنان بر سرتاسر شبه جزیره پس از مصالحه حدیبیه؛ چنان که در این سوره از فتحی نزدیک و غنیمت‌های بسیار آن پس از این صلح سخن می‌گوید. این فتح، بنا بر نظر مشهور، پیروزی نهایی مسلمانان بر یهودیان خیبر است که به یهودیان اخراج شده از مدینه پناه داده بودند و برخی از قبایل عرب را علیه مسلمانان تحریک می‌کردند: «... وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا \* وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ...» (فتح / ۲۰ - ۱۸) همچنین از پیروزی‌هایی سخن می‌گوید که تاکنون برای ایشان امکان دست‌یابی به آن مقدور نبود: «وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا» (فتح / ۲۱) که مراد از آن را غنیمت‌های جنگ هوازن یا غنایم فارس و روم یا فتح مکه دانسته‌اند. (الوسی، ۱۴۱۵: ۲۶ / ۱۱۰) و با یک پیشگویی، به آنان بشارت می‌دهد که از این پس، کفار ناتوان از قتال با آنان خواهند شد و هیچ یابوری که نصرتشان دهد ندارند؛ (ر. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۸۷) «وَلَوْ فَاتَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوُكِّدُوا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (فتح / ۲۲) و این امر را به‌عنوان سنت لایتغیر الهی بیان فرموده است که به‌طور قطع محقق می‌شود: «سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح / ۲۳) همچنین از تحقق رؤیای صادق رسول اکرم ﷺ در ورود به مسجدالحرام در نهایت امنیت و با انجام اعمال حج حلق و تقصیر و بدون هیچ ترس و وحشتی سخن می‌گوید: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح / ۲۷) و در آیه مورد بحث نیز در مقام توصیف این مسلمانان، می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفْرَانِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا ... كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ ...» (فتح / ۲۹) بنابراین، تردیدی باقی نمی‌ماند که از میان احتمالات مختلفی که درخصوص مسلمانان مصداق تمثیل آیه شریفه مطرح است، مراد همراهان رسول اکرم ﷺ در عصر نزول است. هرچند پدیده رشد پیروان حضرت محمد ﷺ را می‌توان شامل عصرهای دیگر نیز دانست؛ زیرا جامعه‌ای که آن حضرت بنا گذاشت، در طول تاریخ خود، رشدی کلان داشته و دارد که می‌تواند مصادیق دیگری برای آیه شریفه به شمار روند؛ چنانکه برخی مفسران تصریح داشته‌اند که تمثیل صورت گرفته، در مقام بیان این حقیقت است که خدای تعالی در مؤمنان برکت قرار داده و روز به روز بر عده و نیروی آنان اضافه می‌کند (ر. ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۰۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۱۱۶؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۶ / ۱۷۶) و به‌همین جهت، مسلمانان برای استقلال باید مانند چنین زراعتی دارای پایگاه مستقلی روی زمین باشند و از همه جوانب

تبیین مشبه در آیه «كَزَّرِعَ أَخْرَجَ شَطْأَهُ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۰۷

تقویت شوند تا مجموعه آنها یک شاخه مستحکم و ستبر را تشکیل دهد و روی ساقه خود بایستد، چنان که در آیه شریفه سوره ابراهیم درباره آنها می‌فرماید: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ». (ابراهیم / ۲۴؛ ر.ک: جوادی آملی، تفسیر سوره فتح جلسه ۹، ۱۳۹۵/۳/۱۲)

اما در هر صورت، جامعه ایمانی عصر رسالت، به دلالت مطابقی، مصداق اتم مسلمانان توصیف شده خواهد بود. روشن است این برداشت نیز، نافی آن نیست که در مدارج و مراحل بالاتر همراهان حقیقی پیامبر ﷺ در قامت یک امت بزرگ و جهانی و گذر زمان روز به روز ستبر شده و مثلاً در دوره امام زمان ﷺ نیز به کمال لایق و استقلال جهانی دست یابند.

### وجه شباهت همراهان پیامبر ﷺ با زراعتی بالنده

بخش دیگری از تبیین مسئله پژوهش، نیازمند شناخت وجه شباهت همراهان رسول اکرم ﷺ با زراعتی چنین بالنده است. به عبارت دیگر، پاسخ به این سوال که چه اتفاقی در خصوص این مؤمنان رخ داده است که چنین تمثیلی قابل تطبیق بر آنان شده است؟

آنچه در خصوص این زراعت مشخص است، بیان مراحل رشد آن از ابتدای شکل‌گیری و جوانه زدن تا زمان ایستادن بر ساقه‌ها است: «كَزَّرِعَ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوِيَ عَلَي سُوْقِهِ؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است» این تشبیه، چهار مرحله تحولی را در خصوص این زراعت بالنده، ذکر فرموده است:

۱. مرحله خروج جوانه‌ها (اخراج شطأه): «شطأ»، به معنای جوانه‌های کوچک کشت است که برای اولین بار از زمین بیرون می‌آید (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۰۰)

۲. مرحله‌ای که زراعت جوانه‌های خارج شده خود را، مورد اعانت و یاری قرار می‌دهد (فأزره): واژه «ایزار» مصدر «ازره» و به معنای پشتیبانی کردن و اعانت و یاری نمودن بر کاری است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۷ / ۳۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴ / ۱۷) این مرحله به زمانی اشاره دارد که یک زراعت، با خروج گیاهانی در اطراف جوانه‌ها، آنان را برای ادامه فرایند رشد، تقویت و یاری می‌کند، در نتیجه گیاهان قد کشیده و دیده می‌شوند.

۳. مرحله سترگ شدن زراعت (فاستعلظ): واژه استغلاظ از ماده «غ ل ظ»، خلاف نازکی و به معنای استحکام یک شیء و قوی و سخت شدن آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۳۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۴۹) و در مورد یک زراعت، هنگامی به کار می‌رود که در نتیجه جذب مواد مغذی، ساقه‌هایش رشد می‌کند و محکم می‌شود. (ر. ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۳۰۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۳۴۸)

۴. مرحله استواری زراعت بر ساقه‌های خود (فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ)؛ این مرحله ناظر به زمانی است که زراعت مورد نظر، به نهایت بلوغ خود رسیده و بر ساقه‌های خود استوار می‌ایستد.

با توجه به ناظر بودن تمثیل آیه شریفه به توصیف همراهان پیامبر ﷺ و تمثیل آیه شریفه که مراحل رشد این زراعت را از ابتدای شکل‌گیری آن تا زمان رسیدن به بلوغ و استواری بیان می‌کند، می‌توان گفت که آیه شریفه، ناظر به شکل‌گیری این مسلمانان از ابتدای پدیدار شدن دعوت اسلامی و آغاز حرکت آنان تا پایان رسالت پیامبر ﷺ در طی ۲۳ سال نزول قرآن کریم است؛ این مطلب با توجه به محتوای آیه شریفه که در سال‌های پایانی دعوت اسلامی نازل شده است و در مقام تمجید و بیان پیروزی نهایی همراهان پیامبر در جغرافیای جامعه عصر نزول است، تأیید می‌شود. به خصوص آنکه مرحله‌ای بودن فرایند دعوت دینی جامعه عصر نزول از ابتدا تا زمان تکامل آن، در روایتی از رسول اکرم ﷺ نیز نقل شده است: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ جَذْعًا ثُمَّ ثَنِيًا ثُمَّ رِبَاعِيًا ثُمَّ سَدْسِيًا ثُمَّ بَازِلًا؛ اسلام در آغاز مانند شتر خردسال بود و سپس مانند شتر دوساله شد و آن‌گاه چهار ساله و شش ساله و در آخر به کمال نیرومندی رسید». (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۵۹؛ ابن حنبل، ۱۳۹۵: ۵ / ۵۲)

با توجه به مطالب فوق و مشخص شدن مسلمانان مورد تشبیه آیه شریفه و نیز وجه شباهت آنان با یک زراعت بالنده، در ادامه مقاله، سعی شده است با توجه به گسترده بودن دامنه این تشبیه، مشبه فراز ابتدایی آن (کزرع اخرج شطأه) که ناظر به نخستین مرحله رشد مخفیانه همراهان پیامبر ﷺ است، تبیین شود. به همین منظور، پس از مشخص نمودن مشبه مطابقی این فراز شریفه، چپستی و چگونگی تحقق این مرحله در ارتباط با همراهان پیامبر ﷺ مورد بررسی قرار گرفته است.

#### برهه زمانی رشد مخفیانه همراهان پیامبر ﷺ (کزرع اخرج شطأه)

ظاهر تمثیل آیه شریفه و بررسی شواهد مربوط به سیر دعوت دینی، مؤید آن است که برهه زمانی رشد مخفیانه همراهان پیامبر ﷺ، مرحله آغاز رسالت و شروع دعوت به اسلام است. گزارش‌های متعددی وجود دارد که دعوت رسول اکرم ﷺ از همان آغاز رسالت، در مکه و اطراف آن گسترش یافت (حسنی، ۱۴۱۶: ۱۳۳) و به مرور، افرادی به آن حضرت ایمان آوردند، اما آن حضرت، برای در امان ماندن این تازه مسلمانان، مشخصات آنان را از مشرکان مخفی نگاه می‌داشت. از جمله قرائن دال بر این حقیقت، مواردی مانند توصیه پیامبر ﷺ به ابوذر غفاری برای مخفی داشتن ایمان خود از دیگران، (ابن حجر، بی‌تا: ۱۷۵ / ۷) پرهیز آن حضرت از تصریح به مشخصات پیروان خویش (مسلم، ۱۴۰۱: ۳ / ۳۷۷) و حتی عدم اطلاع نخستین ایمان‌آوردگان از یکدیگر در این سال‌ها است، چنان‌که گفته‌اند «عمر بن عبسه» و

تبیین مشبه در آیه «كَزَّرَعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۰۹

«ابوذر غفاری» هر کدام خود را چهارمین مسلمان می‌دانستند؛ زیرا هیچ‌کدام از زمان اسلام آوردن دیگری اطلاع نداشتند. (طبرانی، ۱۳۹۹: ۲ / ۱۵۵؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۴ / ۱۶۴؛ حاکم، ۱۳۹۸: ۳ / ۳۴۲؛ ابن‌حنبل، ۱۳۹۵: ۴ / ۱۱۲) گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارد که با افزایش شمار مسلمانان، آنان برای در امان ماندن از آزار مشرکان، در مکان‌هایی دور از چشم مشرکان، مانند خانه زید بن ارقم یا دره‌های مکه، به عبادت می‌پرداختند که در برخی موارد با اطلاع یافتن مشرکان از این تجمعات و اشکال گرفتن بر آنان، کار به درگیری می‌انجامید. (ر. ک: ابن‌هشام، بی‌تا: ۱ / ۲۶۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۱۹)

بر پایه گزارش‌های موجود، مخفیانه بودن مسلمانان تا زمان نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر / ۹۴) ادامه داشت و با نزول این آیه، رسول اکرم ﷺ دستور یافت گروه مسلمانان را که تاکنون سعی بر مخفی نگاه داشتن ایشان داشت، علنی سازد. (ر. ک: صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۸۰؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۹۰) چنان‌که از عبدالله ابن‌مسعود نقل شده است که: «ما زال النبي ﷺ مستخفيا حتى نزلت «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» فخرج هو و أصحابه؛ رسول خدا پیوسته سعی در مخفی کردن داشت، تا آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» نازل شد پس او و اصحابش خروج کردند». (ر. ک: ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۵۵؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۶۲؛ ابن‌کنیر، ۱۹۷۷: ۴ / ۴۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۷: ۴ / ۱۰۷) بنابراین می‌توان گفت مشبه تمثیل صورت گرفته در فراز شریفه مورد بحث، ایمان آوردن مخفیانه این تازه مسلمانان و خروج آنان پس از مرحله دعوت مخفیانه است. این دوره، مرحله‌ای است که در نتیجه تلاش‌های رسول اکرم ﷺ، بذر اسلام در مکه و اطراف آن کاشته شد و این بذر در سایه ارشادهای پیامبر ﷺ رشد ویژه خویش را آغاز نمود، جوانه زد و با جوانه زدن خود، به‌عنوان یک حقیقت دارای هویت ویژه، بروز و ظهور اجتماعی یافت و از محیط اطراف متمایز گشت.

لازم به تذکر است که در خصوص آغاز رسالت پیامبر ﷺ وجود سه سال دعوت مخفیانه مشهور است. با این توضیح که در این مدت، مشرکان از دعوت آن حضرت خبر داشتند، اما چون در مجامع عمومی سخن نمی‌گفت، در برابر او عکس‌العملی نشان نمی‌دادند و این روش تا زمان نزول آیه: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ...» (حجر / ۹۴) ادامه داشت. (ر. ک: سمرقندی، بی‌تا: ۲ / ۲۶۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۵۵؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۳۵۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۴۶؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۵ / ۳۴۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۶۷ - ۶۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۶۲؛ ابن‌کنیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۷۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳ / ۶۴؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۳ / ۴۰۹؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق. ج ۷ / ۳۲۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۹ / ۴۰۵؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳ / ۳۱۵؛ ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۳ / ۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۱۹۵؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۵ / ۳۹۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۴۰؛ جوادی آملی، [www.portal.esra.ir](http://www.portal.esra.ir). جلسه ۵۸) این دیدگاه ممکن است استناد مخفیانه بودن را از یک حرکت اجتماعی به نوع دعوت پیامبر ﷺ منصرف کند و در نتیجه وجود دوره رشد مخفیانه مؤمنان و

پذیرش همراهان پیامبر ﷺ به عنوان مصداق این تمثیل را با تردید مواجه کند. اما مشکل این دیدگاه افزون بر مخالفت با شواهدی که در خصوص کیفیت دعوت پیامبر ﷺ و علنی و آشکار بودن و گسترش آن در آغاز رسالت بیان شد، مخالفت آن با مفاد سوره‌های نازل شده از آغاز دعوت تا هنگام نزول آیه ۹۴ حجر است. در این سوره‌ها، شواهد متعددی دال بر مخالفت‌های مشرکان با دعوت پیامبر ﷺ از آغاز رسالت وجود دارد (ر. ک: قلم / نزول / آیه ۲ / ۱۵ - ۵؛ مزمل / نزول / آیه ۳ / ۱۱ - ۱۰؛ مدثر / نزول / آیه ۴ / ۲۵ - ۱؛ ر. ک: طبری، ۱۴۱۲: ۲۹ / ۹۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴ / ۴۹۲) که نمونه آن، اسائه ادب‌هایی چون «مجنون»، «قلم / نزول / آیه ۲ / ۲» «مفتون» (قلم / نزول / آیه ۲ / ۶) «ساحر» (مدثر / نزول / آیه ۴ / ۲۴) «ابتر» (کوثر / نزول / آیه ۱۵ / ۳) و آزارهای انجام گرفته توسط امثال ابو لهب (مسد / نزول / آیه ۶) است. تمام این قرائن، بر علنی بودن دعوت دینی از ابتدای رسالت، دلالت دارند. بنابراین با توجه به مباحثی که در خصوص علنی شدن جمعیت مسلمانان با نزول آیه ۹۴ حجر بیان شد، فراز شریفه «کزرع اخرج شطأه»، ناظر به بازه زمانی آغاز رسالت پیامبر ﷺ تا زمان نزول سوره حجر است و دستور صادر شده در آن، دستور به علنی نمودن گروه مسلمانان می‌باشد.

#### مدلول‌های تمثیل فراز شریفه

تردیدی نیست که قرآن کریم در بیان معارف خود، دقیق‌ترین قالب‌های زبانی را مورد استفاده قرار داده است؛ از جمله این قالب‌ها، تمثیل است که ماهیت آن، بیان معنایی بلند در قالب الفاظی گویا و مختصر است؛ به همین دلیل در فهم تمثیل‌های قرآنی، باید همه آنچه تمثیل مشتمل بر آن است، به دقت مورد توجه قرار گیرد. در آیه شریفه مورد بحث که رشد پیروان رسول اکرم ﷺ به مراحل رشد یک زراعت توصیف شده است، باید توجه نمود که در پیدایش زراعت، مجموعه‌ای از عوامل دخیل هستند که در صورت فقدان هر کدام از آنها، زراعت تحقق نخواهد یافت؛ این عوامل عبارتند از: «زمین محل زراعت»، «زارع»، «بذری که باید در زمین کاشته شود»، «آب که مایه حیات آن است» و «دانش و روش زارع در پرورش بذره‌های کاشته شده». بنابراین، در عبارت تمثیلی شریفه «کزرع»، وجود این عوامل در ارتباط با دعوت دینی، به دلالت ضمنی مفروض است. در تعیین مصادیق این عوامل برخی بدیهی و برخی دیگر نیازمند بررسی دقیق‌تری است؛ آنچه بدیهی است، موارد زیر است:

۱. زارع؛ شخص رسول اکرم ﷺ است که مأموریت پرورش کشته مورد نظر را بر عهده دارد.
۲. زمین محل زراعت؛ جغرافیایی دعوت اسلامی در عصر رسالت با محوریت دو شهر مکه و مدینه و محیط اطراف این دو شهر است.
۳. بذری که زارع در زمین کاشته می‌شود؛ کسانی هستند که به دعوت رسول اکرم ﷺ پاسخ مثبت



تبیین مشبه در آیه «كَزَرَ عُرْجَ شَطَاةٍ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۱۱

داده و از آن حضرت تبعیت نموده و در سایه هدایت‌های آن حضرت، در جامعه شرک زده و جاهلی عصر نزول، رشد یافتند. این افراد - چنان که گفته شد - همان گروهی هستند که رسول اکرم ﷺ با نزول آیه ۹۴ سوره حجر، مأمور شد جمعیت آنان را در جامعه علنی سازد.

اما دو عامل دیگر، یعنی آبی که جهت رشد این زراعت مورد استفاده قرار گرفته است و روش زارع در پرورش بذرها، عواملی هستند که تعیین مصداق آنها به منظور تبیین دقیق مشبه عبارت «کزع» نیازمند بررسی بیشتری است.

افزون بر این، عبارت «اخرج شطاه» دلالت بر پدیداری یک هویت ویژه در انتهای این رشد مخفیانه دارد؛ بنابراین، تبیین شاخصه‌های این هویت ویژه نیز، از ضرورت‌های تبیین مدلول‌های تمثیلی فراز شریفه مورد بحث هستند که در ادامه مقاله، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### ۱. مجموعه سوره‌های نازل شده (آب)

«آب» مایه حیات زراعت و مصداق آن، وحی الهی فرود آمده بر سرزمین شرک و جاهلی عصر نزول است. این وحی، شامل مجموعه سوره‌های نازل شده در برهه زمانی رشد مخفیانه مؤمنان است. با توجه به دستور داده شده در آیه ۹۴ حجر مبنی بر پایان دادن به دوره مخفی داشتن گروه مؤمنان، این سوره‌ها عبارتند از سوره‌هایی که پیش از سوره حجر نازل شده‌اند.

از آنجاکه به منظور تبیین روش پیامبر ﷺ در چگونگی پرورش مؤمنان، افزون بر شناخت این سوره‌ها، ترتیب نزول آنان نیز ضروری است، در ادامه به این سوره‌ها و ترتیب نزول آنها پرداخته شده است.

تحلیل روایات نقل شده از ائمه معصومین (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱ / مقدمه / ۶) و صحابه و تابعان، (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲ / ۴۱۱ - ۴۰۹) نتیجه قابل اطمینانی از این سوره‌ها و ترتیب نزول آنها به دست می‌دهد. (معرفت، ۱۳۷۲: ۱ / ۱۰۷ - ۱۰۴؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۱ / ۱۶ - ۱۵؛ نکونام، ۱۳۸۰ / ۳۰۸؛ رامیار، ۱۳۶۲ / ۶۱۱؛ زنجانی، ۱۳۸۸ / ۶۱ - ۵۸؛ خلیفه، ۱۳۶۵: ۲۳) کامل‌ترین این ترتیب‌ها که با تحلیل روایات موجود به دست آمده است، ترتیب زیر در تفسیر «همگام با وحی» است که بر پایه آن، تا زمان نزول سوره حجر، پنجاه و سه سوره از قرآن کریم نازل شده است. (ر. ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۵ / ۳۴۳ - ۳۴۱)

ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	
۱	علق	۱۰	فجر	۱۹	فیل	۲۸	تین	۳۷	قمر	۴۶	واقعه
۲	قلم	۱۱	ضحی	۲۰	فلق	۲۹	قریش	۳۸	ص	۴۷	شعراء
۳	مزمّل	۱۲	شرح	۲۱	ناس	۳۰	قارعه	۳۹	أعراف	۴۸	نمل

ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	نام سوره	ترتیب نزول	
۴	مذثر	۱۳	عصر	۲۲	إِخْلَاص	۳۱	قیامه	۴۰	جنّ	۴۹	قصص
۵	حمد	۱۴	عادیات	۲۳	نجم	۳۲	همزه	۴۱	یس	۵۰	إِسْرَاء
۶	مسد	۱۵	کوثر	۲۴	عبس	۳۳	مرسلات	۴۲	فرقان	۵۱	یونس
۷	تکویر	۱۶	تکائر	۲۵	قدر	۳۴	ق	۴۳	فاطر	۵۲	هود
۸	أعلى	۱۷	ماعون	۲۶	شمس	۳۵	بلد	۴۴	مریم	۵۳	یوسف
۹	لیل	۱۸	کافرون	۲۷	بروج	۳۶	طارق	۴۵	طه	۵۴	حجر

## ۲. روش زارع در پرورش بذرها

مصادق این عامل، مجموعه هدایت‌های الهی نازل شده در ضمن ۵۴ سوره نازل شده است که خدای متعال در اختیار رسول اکرم ﷺ قرار داد. بررسی محتوای این سوره‌ها، نشان می‌دهد که رسول اکرم ﷺ - به خصوص در این دوره - به شدت تحت حمایت‌های الهی است؛ چنان‌که خدای متعال بر انتقال معارف و دستورات دینی متناسب با تدبیر الهی تصریح فرموده و اتخاذ روش غیر از آن را شرک‌آلود دانسته است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ (یوسف / ۱۰۸) بگو: این راه من و پیروانم است که با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» چنان‌که در سوره اسراء نیز می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم» (اسراء / ۱۰۶؛ همچنین ر. ک: آل عمران / ۲۰، مائده / ۹۲ و ۹۹؛ نحل / ۳۵ و ۸۲؛ نور / ۵۴؛ تغابن / ۱۲؛ هود: ۱۱۳ - ۱۱۲؛ حاقه: ۴۷ - ۴۴) بررسی محتوای سوره‌های نازل شده نشان می‌دهد که رسول اکرم ﷺ با هدایت الهی، به روش‌های زیر، مخاطبان خود را راهبری فرموده است:

### یک. دعوت دینی بر پایه ایمان به ربوبیت الله

دعوت دینی در شرایطی آغاز شد که جامعه اعراب جاهلی یا به اقتضای فطرت خویش یا پیشینه‌ای که از آیین ابراهیمی در میان آنان باقی بود، «الله» را به‌عنوان خالق خویش پرستش می‌کردند. (ر. ک: جوادعلی، ۱۹۷۶: ۶ / ۴۵۶؛ ۱۳؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۱) و او را خالق آسمان‌ها و زمین (زمر / ۳۸؛ عنکبوت / ۶۱ و ۶۳؛ لقمان / ۲۵؛ زخرف / ۸۷) و دارای قدرت مطلقه و علم و حکمت می‌دانستند. (زمر / ۹) اما آنان به جای آنکه الله را علاوه بر خالق خویش، مدبر خود نیز بدانند و او را به‌عنوان پروردگار (رب)

تبیین مشبه در آیه «كَزَرَ عِ أُرْجَ شَطَاةُ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۱۳

پرستش کنند، معتقد بودند باید مقربینی را پرستش نمود که «الله» تدبیر شئون مختلف عالم را به آنان واگذار نموده است. (زمر / ۳) این دیدگاه باعث شده بود تا آنان عناصر مختلفی را بپرستند و نیازهای خود را از آنان بخواهند. (ر. ک: انعام / ۱۰۰؛ صافات / ۱۵۸؛ سبأ / ۴۱؛ ر. ک: مائده / ۹۰؛ نوح / ۲۳؛ نجم / ۱۹ و ۲۰؛ صافات، ۱۲۵. همچنین ر. ک: سید جوادی، ۱۳۸۰: ۵ / ۲۸۲)

بررسی محتوای ۵۴ سوره نازل شده در دوره مخفیانه دعوت، گویای این حقیقت است که قرآن کریم اعتقاد به وجود «الله» و «خالق» دانستن او توسط جامعه مخاطب را، نقطه آغاز جریان دعوت دینی و اصلاح انحرافات جامعه مخاطب قرار داد و ایجاد تصویر صحیح توحیدی و تنظیم درست رابطه با غیب عالم را در درجه اول اهمیت گذاشت؛ شاهد این حقیقت آیاتی است که بر پایه اعتقاد اعراب به خلقت جهان توسط «الله» به معرفی الله و خالق جهان به عنوان رب العالمین پرداخته‌اند. (علق / نزول / ۱ / آیه ۱ - ۲؛ حمد / نزول / ۵ / آیه ۷ - ۲؛ اعلی / نزول / ۸ / آیه ۱ - ۲؛ اخلاص / نزول / ۲۲ / آیه ۱ - ۴؛ نجم، نزول / ۲۳ / آیات ۴۹ - ۴۲؛ بروج / نزول / ۲۷ / آیات ۱۲ - ۱۶؛ اعراف / نزول / ۳۹ / آیه ۵۴ و ۱۵۸؛ فاطر / نزول / ۴۳ / آیه ۱۳ - ۱۱؛ مریم / نزول / ۴۴ / آیه ۳۶؛ طه / نزول / ۴۵ / آیه ۸ - ۴ / ۹۸؛ اسراء / نزول / ۵۰ / آیه ۱۱۱ - ۱۱۰) همچنین آیاتی است که به بیان بخشی از افعال و اوصاف ربوبی الله و خالق جهانیان که اعراب جاهلی بدان معتقد بودند، پرداخته‌اند. (علق / نزول / ۱ / آیه ۵ - ۱؛ حمد / نزول / ۵ / آیه ۷ - ۱؛ اعلی / نزول / ۸ / آیه ۷ - ۱؛ فاطر / نزول / ۴۳ / آیه ۳ - ۱)

#### دو. جریان‌سازی میان‌گفتمان توحید و شرک

بررسی محتوای ۵۴ سوره نازل شده در این مرحله، نشان می‌دهد که قرآن کریم از آغاز دعوت دینی، با جریان‌سازی دائمی میان‌گفتمان توحید و گفتمان شرک به مقایسه میان عناصر هویتی هر جریان و به تبع آن، سرانجام هر کدام از آن دو توجه نموده است. در این جریان‌سازی، عناصر هویت اسلامی مورد تأیید و تمجید قرار گرفته و در مقابل، عناصر هویت شرک و جاهلی، مورد نقد و نپهی واقع گردیده است. موارد زیر، از جمله نمونه‌های این جریان‌سازی هستند:

- مقایسه تفاوت سرانجام جریان مؤمن و صالح با جریان مفسد در دو دسته‌بندی اهل تقوا و اهل

فجور. (ص / نزول / ۳۸ / آیه ۲۸)

- مقایسه میان اهل خشیت که به آیات الهی متذکر می‌شوند و به رستگاری می‌رسند و میراث‌دار حیات دنیا می‌شوند و اهل شقاوت که از آیات الهی دوری می‌گزینند و به آتش دوزخ گرفتار می‌آیند.

(اعلی / نزول / ۸ / ۱۷ - ۱۰)

- مقایسه با بیان اختلاف مساعی انسان‌ها از نظر نفس عمل و از نظر آثار آنها با توجه به نوع پاسخ

آنها به هدایت الهی؛ با این بیان که اعطاء و تقوا و تصدیق آیات الهی آثار ویژه خود را دارد و اعمالی چون بخل و استغناء و تکذیب نیز دارای آثار خاص خود است. (لیل / نزول ۹ / آیه ۲۱ - ۴)

این گونه جریان سازی ها حجم بالایی از سوره های نازل شده در این مرحله از نزول را به خود اختصاص داده اند. (به عنوان نمونه ر. ک: عصر / نزول ۱۳ / آیه ۳ - ۱؛ نجم / نزول ۲۳ / آیه ۳۲ - ۳۱؛ شمس / نزول ۲۶ / آیه ۱۰ - ۹؛ مرسلات / نزول ۳۳ / آیه ۵۰ - ۷؛ ق / نزول ۳۴ / آیه ۱ - ۳۷؛ بلد، نزول ۳۵ / آیه ۱ - ۲۰؛ ص / نزول ۳۸ / آیه ۶۴ - ۴۹؛ اعراف / نزول ۳۹ / آیه ۴۲ - ۳۶) به عنوان مثال در سوره فرقان، پس از آنکه پاره ای از صفات کفار را که به قرآن و رسالت طعنه می زدند و منکر توحید و معاد بودند بر می شمارد (مانند استهزاء به رسول و پیروی از هوای نفس و پرستش چیزهایی که سود و زیانی برایشان نداشت و نیز استکبارشان از سجده برای خدای سبحان)، (فرقان / نزول ۴۲ / آیه ۴۱ - ۶۲) صفات برجسته و ستوده ای از مؤمنین را در قالب ویژگی های «عباد الرحمن»، در مقابل صفات ناستوده ای که برای کفار نام برده است، بر می شمارد و از پاداش اخروی آنان سخن می گوید. (فرقان / ۷۷ - ۶۳)

#### سه. نقد عناصر منفی و آسیب پذیر گفتمان رقیب

بر پایه آنچه گفته شد، قرآن کریم در جریان سازی صورت گرفته، ضمن تمجید از جریان مؤمن و بیان ویژگی های آن، دائماً سعی نموده است که جریان رقیب، جریان بی عیب نماند تا مخاطب را در لزوم تغییر وضع موجود و پذیرش دعوت اسلامی به عنوان گفتمان مطلوب، قانع کند. قرآن کریم در نقد گفتمان رقیب، از نقد عناصر منفی و آسیب پذیر این گفتمان در جامعه آغاز نموده است که هم شامل نقد عناصر منفی هویت جاهلی جامعه و هم شامل عناصر منفی هویت مشرک جامعه می شود.

#### الف) نقد عناصر منفی هویت مشرک جامعه

تأکید قرآن کریم در آیاتی که به نقد عناصر منفی هویت مشرک جامعه پرداخته است، عمدتاً بر نقد گفتمان موجود در تصوراتش نسبت به مسئله ربوبیت الله و وجود فرزند برای خدا است که به شیوه های متعددی پیگیری شده است؛ از جمله:

۱. احتجاج علیه مشرکان در پرستش بت ها و قرار دادن شریک برای خدا. (نجم / نزول ۲۳ / آیه ۲۳ - ۱۹؛ اعراف / نزول ۳۹، آیه ۱۹۸ - ۱۹۱؛ یس / نزول ۴۱ / آیه ۷۵ - ۷۴؛ فاطر / نزول ۴۳ / آیات ۱۴ - ۱۳)
۲. احتجاج علیه مشرکان در اعتقاد به اینکه ملائکه دختران خدا هستند و نزد او شفاعت می کنند. (نجم / نزول ۲۳ / آیه ۳۱ - ۲۶)

۳. نکوهش انسان در اصرار و مبالغه بر کفر نسبت به ربوبیت پروردگاری که هم در خلقت و هم در

تدبیر امورش، مدبر امر او است. (عبس / نزول ۲۴ / آیه ۳۲ - ۱۷)

تبیین مشبه در آیه «كَزَرَغُ أَخْرَجَ شَطْأَهُ» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۱۵

۴. ابطال گفتار نصاری راجع به فرزند بودن مسیح برای خدا. (مریم / نزول ۴۴ / آیه ۳۶ - ۳۴)
۵. نفی دیدگاه بت پرستان مبنی بر وجود فرزند و شریک برای خدا. (مریم / نزول ۴۴ / آیه ۹۵ - ۸۸؛ توحید / نزول ۲۲ / آیه ۴ - ۳؛ اسراء / نزول ۵۰ / آیه ۱۱۱؛ یونس / نزول ۵۱ / آیه ۸۶)

#### ب) نقد عناصر منفی هویت جاهلی جامعه

تأکید قرآن کریم در آیاتی که به نقد عناصر منفی هویت جاهلی جامعه پرداخته است، عمدتاً بر نقد عناصری است که با سنخ اعتراض‌ها و بی‌اندیشه سخن گفتن و رفتار نمودن این جامعه، تناسب دارد؛ مانند استهزاء نسبت به رسول و پیروی از هوای نفس و استکبارشان از پذیرش حق. شاهد این امر، آیات زیر است:

#### ۱. نقد منطق سست گفتمان جاهلی

- نقد منطق سست گفتمان جاهلی در ممانعت از سلوک راه حق و پیمودن طریق هدایت و تقوا:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى \* أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى \* أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَى \* أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى \* أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى. (علق / نزول ۱ / آیات ۱۴ - ۹)

به من خبر ده آیا کسی که نهی می‌کند؛ بنده‌ای را به هنگامی که نماز می‌خواند؟! به من خبر ده اگر این بنده به راه هدایت باشد؛ یا مردم را به تقوا فرمان دهد؟! به من خبر ده اگر حق را انکار کند و به آن پشت نماید؟! آیا او ندانست که خداوند می‌بیند.

- نقد منطق سست امثال ولید بن مغیره که به عمد و از روی غرض، درخصوص دعوت دینی و قرآن

کریم، قضاوت به ناحق می‌کنند:

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ \* فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَرَ \* ثُمَّ قَبِلَ كَيْفَ قَدَرَ \* ثُمَّ نَظَرَ \* ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ \* ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ \* فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ \* إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ. (مدثر / نزول ۴ / آیه ۲۵ - ۱۸)

او اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت؛ مرگ بر او باد چگونه مطلب را آماده کرد؛ باز هم مرگ بر او چگونه مطلب آماده نمود؛ سپس نگاهی افکند؛ بعد چهره در هم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ سپس پشت کرد و تکبر ورزید؛ و سرانجام گفت این (قرآن) چیزی جز یک سحر جالب همچون سحرهای پیشینیان نیست! این جز سخن انسان نمی‌باشد.

- نفی دیدگاه کسانی که معتقد بودند در صورت برپایی قیامت، حال آنان تفاوتی با مسلمانان ندارد:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ \* أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ \* إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ \* أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ \* سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ. \* أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ. (قلم / نزول ۲ / آیه ۴۱ - ۳۶)

شما را چه می‌شود و این چه حکمی است که می‌کنید؟ آیا کتابی دارید که از آن درس می‌خوانید؟ که آنچه را شما انتخاب می‌کنید از آن شما است؟ و یا ما سوگندهای مؤکد به نفع شما و علیه خود خورده‌ایم که تا روز قیامت می‌توانید هر حکمی برانید؟ ای پیامبر از ایشان بپرس که این کتاب بر کدامشان نازل شده؟ نکند شرکایی دارند که در قیامت با شفاعت آنها دارای سرنوشتی مساوی با مسلمین می‌شوند اگر چنین است پس شرکایشان را معرفی کنند اگر راست می‌گویند.

## ۲. نقد اخلاق منفی هویت جاهلی

- نقد اخلاق منفی هویت جاهلی جامعه با بیان صفات رذیله برخی از دشمنان دین که موجب اعراض آنها از پذیرش دعوت دینی می‌شود:

فَلَا تُطِيعُ الْمُكْذِبِينَ \* وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ \* وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ \* هَمَّازُ مَشَاءَ بَنِيهِمْ \*  
مَتَاعٌ لِلْآخِرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ \* عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيمٍ \* أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ \* إِذَا تُثْلَى عَلَيْهِ أَيَاتُنَا قَالَ  
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ. (قلم / نزول ۲ / آیه ۱۵ - ۸)

پس تکذیب‌گران را اطاعت مکن؛ آنان همین را می‌خواهند که تو سازش کنی و آنها هم با تو بسازند؛ و نیز هر فرومایه عیب‌جو که برای هر حق و باطلی سوگند می‌خورد اطاعت مکن؛ و کسی را که در بین مردم سخن‌چینی و افساد می‌کند؛ و کسی را که مانع رسیدن خیر به خلق می‌شود و تجاوزگر و گناهکار است؛ کسی که علاوه بر همه آن عیب‌ها، بد دهن و خشن است و مردم پدری برایش نمی‌شناسند؛ کسی که تنها مایه غرورش این است که صاحب مال و فرزندان است؛ هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید افسانه‌های قدیمی است.

- نقد اخلاق منفی هویت جاهلی جامعه با تعجب از اعراض کفار از تذکرات قرآن و حق صریح؛ درجایی که عقلاً واجب است دعوت حق را اجابت نموده و به‌وسیله تذکرات قرآن متذکر شد:

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ \* كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ \* فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ \* بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ  
أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنشَرَةً \* كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ. (مدثر / نزول ۴ / آیه ۵۳ - ۴۹)<sup>۱</sup>

چرا آنها از تذکر روی گردانند؟! گویی گورخرانی رمیده‌اند، که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند؛ بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه‌ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! چنین نیست که آنان می‌گویند، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند.

- نقد اخلاق منفی هویت جاهلی جامعه در اموری چون طعن‌زدن و عیب‌جویی کردن، جمع کردن

مال و برشمردن آن و پشت گرمی به آن:

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ \* الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ \* يُحْسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ. (همزه / نزول ۳۲ / آیه ۳ - ۱)

وای به حال هر طعنه‌زن عیب‌جوی؛ کسی که مالی را جمع می‌کند و از شمردن مکرر آن لذت می‌برد؛ گمان می‌کند که مال او وی را برای ابد از مرگ ننگه می‌دارد.

- نقد ناسپاسی‌ها نسبت به نعمت‌های الهی:

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا \* وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا \* وَبَيْنَ شُهُودًا \* وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا \* ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ \* كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا. (مدثر / نزول ۴، آیه ۱۶ - ۱۱)

مرا با کسی که او را خود به تنهایی آفریده‌ام واگذار! همان کسی که برای او مال گسترده‌ای قرار دادم؛ و فرزندان‌ی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند؛ و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم! باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم! هرگز چنین نخواهد شد چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد!

### ۳. نقد رفتارهای اجتماعی جامعه جاهلی

این نقد در موارد متعددی مانند موارد زیر انجام گرفته است:

- نقد اقدام آنان به کشتن فرزندان:

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ \* بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ. (تکویر / نزول ۷ / آیه ۹ - ۸)

و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود؛ به کدامین گناه کشته شدند؟!

- نقد اقدام آنان به بخل ورزیدن و طلب غنی و ثروت از راه ندادن و جمع کردن و کفر به وعده

حسنی و ثواب خدا:

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى \* وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى \* وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى.

(لیل / نزول ۹ / آیه ۱۱ - ۸)

اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی‌نیازی طلبد؛ و پاداش نیک (الهی) را انکار کند؛ بزودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم؛ و در آن هنگام که (در جهنم) سقوط می‌کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت!

- نقد مال دوستی و دنیا طلبی که منجر به عدم اکرام یتیم و پرهیز از سفارش و تشویق بکدیگر به

دادن صدقه بر مساکین تهی دست شده است:

كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ \* وَلَا تَحَاضُّونَ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِينِ \* وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا \* وَتُحِبُّونَ  
 الْأَمَْالَ حُبًّا جَمًّا. (فجر / نزول ۱۰ / آیه ۲۰ - ۱۷؛ نیز ر. ک: ماعون / نزول ۱۷ / آیه ۳ - ۱)  
 چنان نیست که شما می‌پندارید شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید؛ و یکدیگر را بر اطعام  
 مستمندان تشویق نمی‌کنید؛ و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده  
 می‌خورید؛ و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و به‌خاطر آن گناهان زیادی مرتکب  
 می‌شوید)!

توبیخ شدید آنان در جمع مال و نفقات:

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ. (تکائر / نزول ۱۶ / آیه ۱)

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است.

### ۳. پدیدار شدن هویت ویژه یا خروج جوانه‌ها (اخراج شطأه)

بدیهی است که در نتیجه وجود عوامل مؤثر و آغاز فرایند کِشت، پس از مدتی جوانه‌های کِشته مورد نظر  
 از دل خاک بیرون می‌آید و هویت ویژه و متمایز آن از محیط اطراف مشخص می‌شود و در مورد این  
 زراعت گفته می‌شود: «اخراج شطأه». در این مرحله، ماهیت کِشته معلوم می‌شود و مشخص می‌شود که  
 کِشته مورد نظر، از چه نوعی است، گندم است؟ جو است؟ یا از نوع دیگری است؟ چنان‌که ضمن تبیین  
 معنای واژه «زرع» در کتب لغت آمده است که لفظ زراعت، اغلب در خصوص کِشته‌ای از جنس گندم و  
 یا جو استفاده می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۴۱) بنابراین تعبیر آیه شریفه  
 مبنی بر خروج جوانه‌های زراعت، گزارش از پدیدار شدن یک هویت نوظهور و متفاوت از گفتمان حاکم و  
 مسلط بر جامعه عصر نزول دارد.

مصادق این هویت ویژه در جامعه عصر نزول را باید با مجموعه توصیف‌هایی که قرآن کریم در  
 ضمن ۵۴ سوره نازل شده از کسانی که به دعوت رسول اکرم ﷺ ایمان آوردند، مشخص نمود. بدیهی  
 است که با اعلان گروه مؤمنان، ایشان به‌عنوان کسانی که این ویژگی‌ها بر آنان صدق می‌کند، شناخته  
 می‌شوند و مصادق آن به شمار می‌روند. بررسی محتوای سوره‌های نازل شده در این مرحله، نشان  
 می‌دهد که هویت شکل‌گرفته، شامل ویژگی‌هایی به شرح ذیل است:

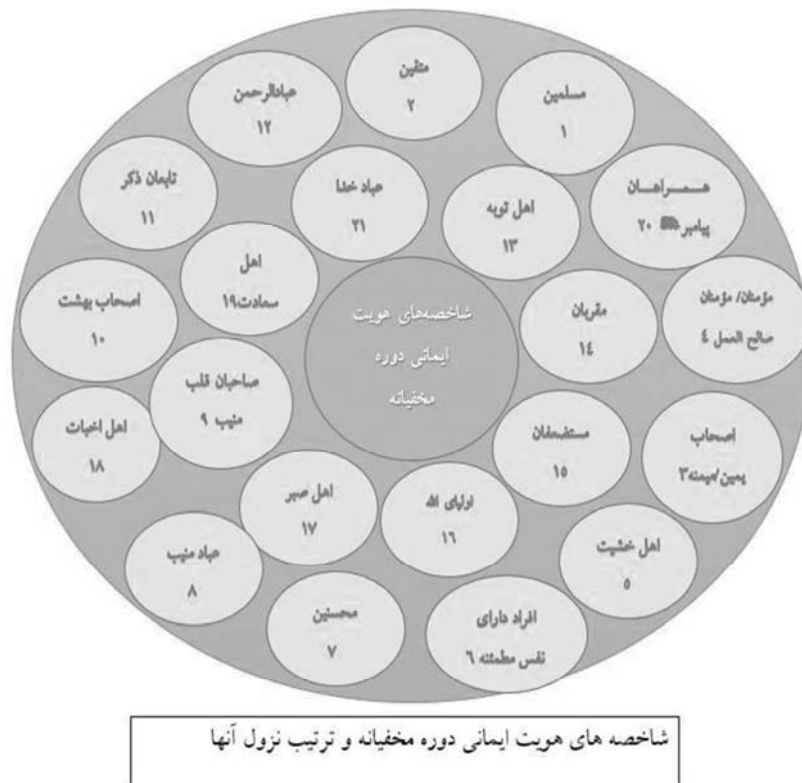
نمایه هویت ویژه مؤمنان در هنگام بروز اجتماعی			
ردیف	متن آیه	ترتیب نزول سوره و شماره آیه	نمایه هویت بیان شده برای جریان مؤمن
۱	أَفْتَجِلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ	قلم، نزول ۲، آیه ۳۵	مسلمین



متقین و متقی تر	قلم، نزول ۲، آیه ۳۵ - ۳۴؛ همچنین در: قمر، نزول ۳۷، آیه ۵۵ - ۵۴. مرسلات، نزول ۳۳، آیه ۴۴ - ۴۱، ق، نزول ۳۴، آیه ۳۲ - ۳۱؛ ص، نزول ۳۸، آیه ۵۴ - ۴۹؛ اعراف، نزول ۳۹، آیه ۲۰۱؛ مریم، نزول ۴۴، آیه ۷۲ و ۶۳؛ حجر، نزول ۵۴، آیه ۴۸ - ۴۵؛ لیل، نزول، نزول ۱۷، آیه ۹	۲	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ
اصحاب یمین و میمنه	مدثر، نزول ۴، آیه ۴۱ - ۳۹؛ همچنین در: بلد، نزول ۳۵، آیه ۱۸ - ۱۳؛ واقعه، نزول ۴۶، آیه ۲۷	۳	إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ
مؤمنان و مؤمنان صالح العمل	مؤمنان صالح العمل در سوره‌های: عصر، نزول ۱۳، آیه ۳، بروج، نزول ۲۷، آیه ۱۰؛ تین، نزول ۲۸، آیه ۶؛ اعراف، نزول ۳۹، آیه ۴۳ - ۴۲؛ مریم، نزول ۴۴، آیه ۶۳ - ۶۰؛ طه، نزول ۴۵، آیه ۱۱۲؛ شعراء، نزول ۴۷، آیه ۲۲۷؛ اسراء، نزول ۵۰، آیه ۹؛ یونس، نزول ۵۱، آیه ۱۰ - ۹؛ هود، نزول ۵۲، آیه ۲۳ و مؤمنان در سوره‌های: شعراء، نزول ۴۷، آیه ۲۱۵؛ همچنین وصف مؤمنان در: مدثر، نزول ۴، آیه ۳۱؛ نمل، نزول ۴۸، آیه ۳ - ۱؛ یونس، نزول ۵۱، آیه ۶۳	۴	وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
اهل خشیت	اعلی، نزول ۷، آیه ۱۰؛ همچنین در: ق، نزول ۳۴، آیه ۳۳؛ یس، نزول ۴۱، آیه ۱۱	۵	سَيَذَرُكَ مَنْ يَخْشَى
افراد دارای نفس مطمئنه	فجر، نزول ۱۰، آیه ۲۷	۶	يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ
محسنین	مرسلات، نزول ۳۳، آیه ۴۴	۷	إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
عباد منیب	ق، نزول ۳۴، آیه ۸	۸	تَبْصِرَهُ وَ ذِكْرِي لِكُلِّ عَبْدٍ مُّئْتَبٍ
صاحبان قلب منیب	ق، نزول ۳۴، آیه ۳۳؛ یس، نزول ۴۱، آیه ۱۱	۹	مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُّئْتَبٍ
اصحاب بهشت	اعراف، نزول ۳۹، آیه ۵۱ - ۴۴؛ همچنین در: یس، نزول ۴۱، آیه ۵۸ - ۵۵؛ فرقان، نزول ۴۲، آیه ۲۴	۱۰	وَ نَادِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ...

۱۱	إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ...	یس، نزول ۴۱، آیه ۱۱	تابعان ذکر
۱۲	وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...	فرقان، نزول ۴۲، آیه ۶۳؛ همچنین در: مریم، نزول ۴۴، آیه ۶۳ - ۶۰	عباد الرحمان
۱۳	إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا...	مریم، نزول ۴۴، آیه ۶۳ - ۶۰	اهل توبه
۱۴	وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ	واقعه، نزول ۴۶، آیه ۱۱ - ۱۰	مقربان
۱۵	وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ...	قصص، نزول ۴۹، آیه ۵	مستضعفان
۱۶	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ	یونس، نزول ۵۱، آیه ۶۲	اولیای الله
۱۷	إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ	هود، نزول ۵۲، آیه ۱۱	اهل صبر
۱۸	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحْبَبُوا إِلَيَّ رَبَّهُمْ ...	هود، نزول ۵۲، آیه ۲۳	اهل اخبات
۱۹	وَ أُمَّةٍ الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا...	هود، نزول ۵۲، آیه ۱۰۸	اهل سعادت
۲۰	فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ...	هود، نزول ۵۲، آیه ۱۱۲؛ یوسف، نزول ۵۳، آیه ۱۰۸	همراهان پیامبر ﷺ
۲۱	إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ	حجر، نزول ۵۴، آیه ۴۲ - ۴۰	عباد پروردگار

در این جریان‌سازی، هر چند قرآن کریم مؤمنان را مورد خطاب قرار نداده است و عمدتاً خطاب‌ات آن به رسول اکرم ﷺ به عنوان نماینده گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان جاهلی و مشرک مسلط بر جامعه است، اما در ضمن نقد گفتمان جاهلی، ویژگی‌های گفتمان مورد تأیید را با ۲۱ وصف به شرح ذیل در مقابل گفتمان جاهلی بیان فرموده است:



در غالب این ۲۱ نام و توصیف، به‌طور عام بر پاداش این دسته مردم تمرکز شده است. غالباً در مقایسه با جریان‌های رقیب از پاداش ایشان در آخرت و جایگاه والای ایشان نزد خدا و حمایت‌های الهی از ایشان در دنیا سخن رفته است.

### نتیجه

از آنچه در این پژوهش گفته شد، نتیجه گرفته می‌شود که:

- تتبع در قرائن مختلف نشان می‌دهد که تمثیل آیه ۲۹ سوره فتح «... كَزَرَ عَ أُخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ» ناظر به همراهان رسول اکرم ﷺ در عصر رسالت است و آنان به دلالت مطابقی، مصداق اتم مسلمانان توصیف شده هستند.

- بر پایه قرائن مختلف، همراهان پیامبر ﷺ، در طی ۲۳ دعوت آن حضرت، چهار مرحله تحولی را طی نمودند و فراز شریفه «كَزَرَ عَ أُخْرَجَ شَطَاةً» ناظر بر توصیف مرحله آغاز دعوت دینی و رشد مسلمانان در جامعه شرک زده عصر نزول تا زمان ظهور و بروز اجتماعی آنان است.

- با توجه به دقت قرآن کریم در تمثیلات خویش، توصیف همراهان پیامبر ﷺ به زراعتی بالنده، به دلالت ضمنی، بر وجود عواملی که چنین زراعتی را موجب شده‌اند، اشاره دارد که عبارتند از: زمین محل زراعت، زارع، بذری که در زمین کاشته می‌شود، آب که مایه حیات زراعت است و روش زارع در پرورش بذرها.

- در تعیین مصادیق این عوامل می‌توان گفت: زارع شخص رسول اکرم ﷺ است و زمین محل زراعت دو شهر مکه و مدینه و محیط اطراف آن دو است. بذری که زارع در زمین می‌کارد، کسانی هستند که به دعوت رسول اکرم ﷺ پاسخ مثبت داده و در سایه هدایت‌های آن حضرت، در جامعه شرک‌زده و جاهلی عصر نزول، رشد خویش را آغاز نمودند.

- «آب» که مایه حیات این زراع است، عبارت از وحی نازل شده بر سرزمین شرک و جاهلی عصر نزول است. این وحی، شامل مجموعه سوره‌هایی است که در برهه زمانی رشد مخفیانه مؤمنان نازل شدند. این سوره‌ها، ۵۴ سوره نازل شده تا زمان نزول سوره حجر را شامل می‌شوند.

- روش زارع در پرورش بذرها نیز ناظر به مجموعه هدایت‌های الهی نازل شده در ضمن ۵۴ سوره نازل شده است که خدای متعال آنها را در اختیار رسول اکرم ﷺ قرار داد و آن حضرت مأمور بوده است تا مطابق آنها به راهبری جامعه مخاطب بپردازد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

- آلوسی بغدادی، سید محمود، ۱۴۰۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، بی تا، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تحقیق شیخ عبدالعزیز بن باز و دیگران، مکه، إدارات البحوث العلمیه و الافتاء.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۳۹۵ ق، *المسنء*، بیروت، دار الفکر.
- ابن سعد، محمد، ۱۴۱۰ ق، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، قاهره، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۹۷۷ م، *البدایة و النهایة*، بیروت، مکتبه المعارف، ج ۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک بن هشام، بی تا، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیار و عبدالحفیظ شبلی، بیروت، دار العمر فیه.

تبیین مشبه در آیه «كَزَّبَ أَخْرَجَ شَطَاةً» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۲۳

- امین اصفهانی، سیده نصرت بیگم، ۱۳۶۱ ش، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۹۵ ش، *تفسیر تنزیلی؛ اصول، مبانی، قواید و فواید*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بیهقی، محمد بن حسین، ۱۳۶۱ ش، *دلایل النبوه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- پیشوایی، مهدی، ۱۳۸۹ ش، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)*، قم، دفتر نشر معارف، چ ۱۱.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جواد علی، ۱۹۷۶ م، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت، دار العلم للملایین.
- جوادی آملی، سایت *بنیاد بین المللی اسراء* به نشانی [www.portal.esra.ir](http://www.portal.esra.ir).
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، ۱۳۹۸ ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الفکر.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسنی، هاشم معروف، ۱۴۱۶ ق، *سیره المصطفی نظره جدیده*، بیروت، دار التعارف.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حلبی، علی بن برهان الدین، ۱۴۰۰ ق، *السیره الحلبیه (انسان العیون فی سیره الامین المؤمن)*، بیروت، دار المعرفه.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رامیار، محمود، ۱۳۶۲ ش، *تاریخ قرآن*؛ تهران، امیر کبیر، چ ۲.
- رشاد خلیفه، ۱۳۶۵ ش، *اعجاز قرآن تحلیل آماری حروف مقطعه*، ترجمه سید محمدتقی آیت اللهی،

شیراز، دانشگاه شیراز.

- زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۴ ش، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت، چ ۳.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- زنجانی، ابو عبدالله، ۱۳۸۸ ق، *تاریخ القرآن*، مقدمه احمد امین، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چ ۳.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف
- سمرقندی، نصرین محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- سید جوادی، احمد، بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی، ۱۳۸۰ ش، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید محبی، چ ۲.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۷ ق، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۷۶ ش، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تحقیق محمد علی آذرشب، تهران، مکتوب.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مؤلف.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲ ش، *الخصال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، ۱۳۹۹ ق، *المعجم الکبیر*، بغداد، دار العربیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دار التراث العربی، چ ۲.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قشیری نیشابوری، مسلم، ۱۴۰۱ ق، *الجامع الصحیح*، بیروت، دار الفکر.

تبیین مشبه در آیه «كَزَّبَ أَخْرَجَ شَطَاةً» در آیه ۲۹ سوره فتح □ ۲۲۵

- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ ش، *تفسیر القمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب، چ ۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ ش، *الکافی*، تهران، اسلامیه، چ ۲.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۲ ش، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ملاحویش آل‌غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ ق، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعه الترقی.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی‌سعد، ۱۳۷۱ ش، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تهران، امیرکبیر، چ ۵.
- نکونام، جعفر، ۱۳۸۰ ش، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن کریم*، تهران، هستی نما.
- واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ۱۴۰۴ ق، *تحقیق مارسدن جونس*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

